

## آه ای شبان نیکو

آه ای شبان نیکو بیا ما گوسفندان مرتع تو

مارا ببر نزد چشمه ها ماراتو شبانی بنما (۲)

گوسفند گمراهی من بودم در بیابان سرگردان بودم

آنگه صدایت بشنیدم بسویت شتابان دویدم (۲)

زین پس در حضور تو شادم از هیچ چیز و هیچکس نترسم

چون تو عیسی شبان منی مرا از هر خطر می رهانی (۲)